

## بررسی تاثیر سلبی تکنولوژی بر خلاقیت انسان

### بهباد بخشی پور<sup>۱</sup>

#### چکیده

یکی از اصطلاحاتی که در نهایت ابهام قرار دارد تکنولوژی است. اینکه ماهیت و ذات تکنولوژی چیست از قامض ترین سوالاتی است که فراروی اندیشمندان این حوزه قرار دارد. اعتقاد داریم تکنولوژی "وجه برون" انسان است که ظهور یافته است. مستند این بیان بدین شرح است که تکنولوژی موطنی در بعد خلاقیت قوه خیال انسان دارد. علی‌رغم رابطه وثیقی که بین تکنولوژی و بعد خلاقیت وجود دارد (صانع و مصنوع) امروزه شاهد آنیم که در حوزه انسان‌شناسی بیشترین آسیب را تکنولوژی بر بعد خلاقیت انسان وارد ساخته است. در این پژوهش برآنیم با روش اسنادی و برگرفته از مستندات کتابخانه‌ای و الکترونیکی «تأثیر سلبی تکنولوژی را بر بعد خلاقه انسان» تبیین نمائیم. در این پژوهش تأثیر سلبی تکنولوژی را در سه حوزه وجود شناختی، معرفت‌شناختی و ارزش‌شناختی بررسی و تبیین خواهیم کرد.

#### واژه های اصلی: تکنولوژی، خلاقیت، خیال، انسان شناسی

#### مقدمه

عموماً تصور می‌شود هرگونه انتقاد از تکنولوژی به معنای حذف آن از عرصه زندگی بشر است، لکن در جهان کنونی تصور زندگی بدون فناوری و تکنولوژی امری محال است و کمتر متفکری یافت می‌شود که چنین چیزی را توصیه کند. از این رو واضح است که آثار و پیامدهای ایجابی تکنولوژی امری قطعی است. لکن از آنجایی که هدف این مقاله برشمردن پیامدهای منفی فناوری است به اختصار به نمونه‌هایی از تاثیرات مثبت آن اشاره می‌شود: بالا بردن سطح زندگی، تسهیل ارتباطات و کوتاه کردن فاصله‌ها، کشف بهتر حقایق جهان، افزایش بهره‌وری، رشد دموکراسی، رشد خلاقیت و ابتکار، قدرت پیش‌بینی، گسترش آموزش عمومی، افزایش امنیت، اختراع دستگاه‌های جرم یاب و... لازم به اشعار است که تکنولوژی از زوایای گوناگون معرفتی مورد بررسی قرار گرفته است: فناوری روش به کار بردن امکانات، دستگاه‌ها و ابزارها؛ دانش استفاده از مواد اولیه و خام؛ توانایی و مهارت انجام کار در همه زمینه. برخی همچون "نژی" آن را در معنای ابزاری برای حفظ بقای انسان‌های نخستین تعبیر کرده و برخی

<sup>۱</sup> دانشجوی ارشد فلسفه دانشگاه اصفهان

دیگر همچون "کلاکتون" آن را ابزاری در دست بشر برای تسلط بر محیط دانسته‌اند. مع الوصف نگارنده در این جستار ضمن تأیید همه تعاریف مذکور، لکن "برون شده وجه درون انسان" را برای این مقاله بر می‌گزیند. چه اینکه هر مصنوعی و طبعا تکنولوژی وجه برون شده خلاقیت انسان را نشان می‌دهد. این را شاید بتوان یکی از بهترین تعارف به شمار آورد. مستند ما این است که تکنولوژی خواه ساده خواه پیچیده (ادوار تاریخی آنرا در صفحات آتی نشان خواهیم داد) معطوف به بعد خلاقیت قوه خیال انسان است. بنابراین آنچه بهره‌ای از خلاقیت انسان دارد تراوش یافته قوه خیال انسان محسوب می‌شود. پوشیده نیست که به رغم نو بودن تکنولوژی به معنای مصطلح، کارهای پژوهشی فراوانی در این زمینه انجام گرفته است. از جمله این پژوهش‌ها می‌توان به آثار هایدگر در این زمینه و پرفسور حسین نصر اشاره نمود. از آنجا که این دو اندیشمند هر دو در مغرب زمین که مهد تکنولوژی است زندگی کرده لذا اظهار نظر آنها درباره این حوزه مورد وثوق پژوهشگران قرار گرفته است. این پژوهش هر چند از آثار اندیشمندان مذکور بهره مند شده، لکن کانون آن به هیچ وجه تمرکزی بر اندیشه‌های آنها نداشته، بلکه به عکس با برگزیدن تعریفی علی حده از تکنولوژی - برون شده وجه درون - سعی در پردازش آن از زاویه‌ای نو دارد. سوال اصلی پژوهش این است: تاثیر سلبی تکنولوژی - به رغم تاثیرات ایجابی که در زندگی انسان داشته - در چه حوزه‌هایی مشهود است؟ این پژوهش از دو بخش اصلی تشکیل یافته است: ۱- بررسی قوای باطنی انسان و پردازش اجمالی قوه خیال و بعد خلاقانه آن ۲- پردازش تکنولوژی و ماهیت آن.

## خیال در لغت

در فرهنگ دهخدا خیال بدین صورت معنی شده است: صورت ذهنی، پندار، گمان، وهم، ظن: یکی از قوای نفس که صورت محسوسات را در خود دارد. صورت دیده در خواب و بیداری بدون حضور شی. (دهخدا، ۱۳۴۶: ۴۲۳). به نظر می‌رسد این واژه عربی است که در زبان فارسی هم شایع شده است که از ریشه «خیل» گرفته شده است که به معنای وهم و گمان و ظن است، از همین ریشه کلمه «تخیل» به معنای پنداشتن و گمان کردن در قرآن کریم هم به کار رفته است. لغت شناسان مشهور عرب در معنی خیال چنین پنداشته‌اند «الخیال خشبة توضع فی لقی علیها الثوب العنم اذا رءاها الذئب ظن انه الانسان» خیال در اصل چوبی بوده که از آن پارچه‌ای آویزان می‌شد تا وقتی گرگ به قصد شکار می‌آید تصور کند انسان است و نزدیک نشود. (ابن منظور، ۱۴۰۸: ۲۳). اما خیال و صورت خیال فراتر از این مراتب تلقی شده است و خیال یکی از حواس باطنی و هم‌چنین خود دارای مراتب و انواعی است که در ادامه به توضیح آن خواهیم پرداخت.

## قوای باطنی انسان

به نظر ابن سینا قوای باطنی نفس انسان بر پنج قسم است:

- ۱- حس مشترک: قوه‌ای که مدرک صور است «حس مشترک» می نامند، دلیل این نام گذاری آن است که صورت تمام محسوسات ظاهری که توسط حواس پنج گانه حاصل می شوند به آنجا می روند و توسط آن ادراک می شوند.
- ۲- قوه خیال یا مصوره: قوه‌ای که صورت های موجود در حس مشترک را نگاه می دارد. این قوه به خزانه ای می ماند که همه صورت های ترکیب شده یا تجزیه شده توسط قوه متخیله را نیز نزد خو نگاه می دارد.
- ۳- قوه متصرفه: قوه‌ای است که در مدرکات اعم از معانی جزئی تصرف می کند این قوه را از آن حیثی که قوه وهم از آن استفاده می کند «متخیله» واز حیثی که قوه از آن بهره می جوید «مفکره» گویند، قوه متصرفه با در نظر گرفتن صورت مختلف، صوری جدید ایجاد می کند.
- ۴- قوه وهم: قوه‌ای را که مدرک معانی جزئی است قوه «وهم» یا متوهمه نامیده اند. چرا که معانی وهمی توسط این قوه ادراک می شوند.
- ۵- قوه حافظه: قوه‌ای که وهم را در حفظ معانی یاری می دهد «حافظه» یا ذاکره نامیده می شود. خیال در زمره ی حواس باطنی انسان است و مدرک صورت محسوسه شی غایب یا خزانه صور محسوسه است (ابن سینا، ۱۳۸۳: ۲۲). در بین قوای نفس انسان حداقل دو قوه در بحث خیال درگیر هستند. یکی قوه خیال و دیگری قوه متصرفه قوه خیال نیروی ثبت و حفظ صور جزئی که از بیرون به ذهن آدمی وارد می شوند در خیال ثبت و ضبط می شوند و خیال درواقع خزانه و گنجینه حس مشترک است.

## قوه خیال و کارکرد آن

ابن سینا قوه ای را که مدرک صور است «حس مشترک» می نامد، حس مشترک آنچه را که حواس ظاهری به آن رسانده اند برای نگه داشتن به قوه خیال مصوره می رساند و قوه خیال نیز آن صور را حفظ می کند. گاه قوه خیال اشیائی را که از حس ظاهر ماخوذ نیستند مخزون و محفوظ می دارد (همان، ۳۳). زیرا نیروی مفکره گاهی در صوری که در قوه خیال است از راه ترکیب و تحلیل، تصرف می کند چرا که این صور برای قوه مفکره موضوع هستند و چون صورتی از صور را ترکیب یا تفصیل کرد امکان دارد آن را در خود قوه خیال حفظ کند. قوه خیال برای این صورت از نظر اینکه منسوب به چیزی است که از داخل یا خارج آمده خزانه نیست، بلکه به این جهت خزانه است که این صورت به نحوی تجدید یافته. و اگر این صورت به همان نحوی از تفصیل و ترکیب باقی بود که از خارج آمده، آنگاه می توانست این قوه آن را ثابت نگه دارد و همچنین اگر صورت برای این قوه از سببی دیگر آشکار شده بود و چون به سببی از اسباب تخیل و تفکر با تشکیلات سماوی و صورتی در خیال متمثل شد و ذهن متوجه آن نبود ممکن می گردد. که این صورت در خود حس مشترک به همان هیاتی که دارد مرتسم می شود. قوه خیالی یا متخیله قوه ای است که محسوسات را حفظ و تجزیه و ترکیب می نماید و آنها را در محاکات امور محسوس و معقول به کار می بندد. قوه خیال تصاویر حسی را از خزانه «بیرون کشیده» و در هم «می آمیزد»

«تغییر» می دهد، باهم «ترکیب» می کند و «باز می آفریند». کار این قوه حفظ و بایگانی صور است که در مواقع نیاز، صور را در اختیار قوه مورد نظر قرار می دهد گاه صور نزدیک است که وقتی با آن مراجعه می کنیم آن را در اختیارمان قرار می دهد. مثلاً چند روز پیش صوری را درک کرده ایم و هم اکنون به راحتی آن را به خاطر می آوریم، گاه صور در خیال موجود می باشد اما مخفی شده است. پس احتیاج به تلاش داریم تا به خاطر آورده شود و دوباره مدرک واقع شود، گاه صورت کاملاً از مخزن صور غایب می شود، در این صورت نیاز به کسب دوباره دارد (صدر الدین شیرازی، ۱۳۶۶: ۲۹۰). در فلسفه اسلامی ثابت شده است که قوه خیال شانی از شئون نفس آدمی است، یعنی نفس انسانی قسمتی از اعمال و کارهایش از طریق خیال صورت می پذیرد برخی از طریق عقل و... کار قوه مدرکه یا قوه خیال «صورتگری» و «عکس برداری» از واقعیات اشیاست، چه واقعیات های خارجی چه واقعیات های نفسانی تمام تصورات ذهنی موجود در حافظه انسان به وسیله ای قوه تهیه می شود. این قوه خود به خود نمی تواند تصویری تولید کند، تنها کاری که انجام می دهد این است که اگر با واقعیاتی اتصال وجودی پیدا کرد صورتی از آن بسازد و به حافظه بسپارد. کار قوه خیال تصویر دادن حقایق مدرکه است، مثلاً نفس مطالبی را از عالم مجردات می گیرد و آن حقیقت را به روح می دهد و روح آن مطالب را به قلب داده و قلب آنها را به خیال می سپارد و خیال آن حقایق را مبدل به صور می کند (حسن زاده آملی، ۱۳۹۲: ۹۸). این قوه در میان قوای ادراکی انسان نقش بنیادین دارد هم به منزله یکی از قوای مدرک انسان و به مثابه مرحله ای از مراحل ادراک انسان است.

## مراتب ادراک

ادراک انسان از لحاظ نوع برخورد قوه مدرکه او با امر بیرونی (مدرک) و آنچه از مدرکات انتزاع می شود بر چهار مرتبه است؛ حسی، خیالی، وهمی و عقلی البته این مراتب باهم تعارض ندارند و در طول هم قرار می گیرند (ابراهیمی دینانی: ۶/۱۳۸۱). در ادراک حسی، انسان از طریق حواس با امر بیرونی مواجه می شود. در این نوع شناخت آنچه ادراک می شود حسی است و صورت دارد و جزئی می باشد. ادراک خیالی در مراتب بالاتر از ادراک حسی قرار دارد و ادراک غیر مستقیم حسی می باشد (صورت دارد و جزئی است) ادراک وهمی بالاتر از ادراک خیالی و حسی است (صورت ندارد و حسی نیست) ادراک عقلی کاملاً مجرد است، نه حسی است نه صورت دارد و نه جزئی است، بلکه کلی و بدون صورت است (همان، ۷).

## شئونات خلاقیت

بی تردید آفرینندگی یا آفرینش گری، مهم ترین و اساسی ترین قابلیت انسان بوده و بنیادی ترین عامل ایجاد ارزش که در همه ابعاد و جوانب زندگی وی نقش اساسی و کاملاً حیاتی دارد. همه علوم، تولیدات، فناوری ها و صنایع، ابداعات، هنر، ادبیات و معماری و به طور کلی اساس هر تمدنی جلوه های گوناگون خلاقیت و نوآوری انسان است. خلاقیت را می توان به تولید اندیشه ها و راه کارها و مفاهیم غیر معمول دانست که از دیدن، الهام گرفتن و تشابه سازی مخصوص حاصل می شود. ممکن است نتیجه ای منفی یا مثبت داشته باشد، افراد خلاق خیال پرداز هستند

و رویاهای خود را بهتر به خاطر می آورند. خلاقیت در گذشته عنصری تماماً ذاتی و نهادینه شده و تقریباً موروثی قلمداد شده است، بدون تردید خلاقیت و نوآوری یکی از ویژگی های مهم و اساسی انسان است که تقریباً بر همه ی ابعاد و جنبه های زندگی و تمدن او را به طور کامل تاثیر می گذارد، فروبل خلاقیت را یکی از نیازهای مهم انسان می داند و به اعتقاد او فرایندی است که از کودکی آغاز می شود و با مرگ خاتمه می یابد (شرفی، ۱۳۸۱: ۹۸). تافلر در کتاب موج سوم از سه موج سخن می گوید که تمدن بشری تا به حال شاهد آن بوده است، موج نخست حاوی انقلاب کشاورزی بود. که هزاران سال طول کشید. با شکل گیری انقلاب صنعتی از قرن ۱۷ میلادی موج دوم شکل گرفت و پس از گذشت ۳۰۰ سال از برپایی تمدن صنعتی در موج سوم به آرامی خود را با جهشی تصور ناپذیر و با عمیق ترین خیزش اجتماعی و خلاقانه ترین نوسازی مواجه می بیند که تا کنون به خود ندیده است. او در معرفی یکی از مشخصه های مهم تمدن موج سوم از خلاقیت سخن به میان می آورد او از خلاقیت نه تنها به عنوان عامل پیش برنده موج دوم به سمت موج سوم یاد کرده بلکه از این مسئله به عنوان یکی از نتایج طبیعی تمدن موج سوم یاد می کند او تذکر می دهد به اینکه اساسی ترین ماده خام تمدن موج سوم که فرسایش ندارد، «اطلاعات» و «تخیل» است و خلاقیت، شرط هر نوع بقایی محسوب می شود (تافلر، ۱۹۸۰: ۱۰۹). ارسطو به تمام اقسام هنر توجه کرده است وی در رساله هنر شعر خصوصیت «خلاقیت» را برای نفس آدمی قائل است که به آفرینش شعر اقدام می کند. به نظر او همان گونه که اجتماعی بودن از خصوصیات ذاتی انسان است قوه خلق و ابداع آثار نیز از روح انسان سرچشمه می گیرد. به نظر ارسطو خلاقیت انسان از قوه خیال ناشی می شود (ارسطو، ۱۳۸۹: ۲۲۱). در میان فلاسفه اسلامی نیز محی الدین عربی، به خلاقیت توجه ویژه ای کرده است. قدرت ابداع و خلاقیت انسان در مکتب حکمت متعالیه نیز جایگاهی مهمی را به خود اختصاص داده تا آنجا که نظریات ملاصدرا مانند اثبات وجود ذهنی، اتحاد عاقل و معقول، وحدت تشکیکیه وجود و... بر خلاقیت آدمی تاکید دارد. مباحثی مانند علم خیال، وجود ذهنی، حرکت جوهری اصالت وجود نظریه های نوآورانه ای است که با خلاقیت ارتباط پیدا می کند. مسئله خلاقیت و آفرینش گری در بین حکمای اسلامی جایگاه ویژه ای دارد و اولین بار ابن سینا به طرح این مسئله پرداخته است همچنین در فلسفه صدرای خالقیت انسان در امتداد خالقیت الهی و نه مستقل از آن مطرح می شود، در نظر او انسان در زمین خلیفه است و خلاقیت وی نظیری از خلاقیت الهی در جهان هستی می باشد و با توجه به ساحت های وجودی انسان خلاقیت علمی همه ادراکات حسی، خیالی، عقلی را شامل می شود و منظور از «خلاقیت علمی» بیشتر قوه «تخیل» است و این قوه که عموماً منبع اصلی آفرینش های هنری محسوب شده و قادر به ایجاد و انشاء صور است. علم و دانایی محصول آفرینش و خلاقیت ذهن آدمی شمرده می شود. نفس انسان به گونه ای آفریده شده که می تواند صورت اشیای مجرد و مادی را بیافریند، به عبارت دیگر انسان نه تنها صور خیالی بلکه صور محسوس را می آفریند و قیام این صور به نفس قیام صدوری است نه حلولی. ملاصدرا درباره آفرینش علمی و خلاقیت انسان می گوید «خدای تعالی نفس انسان را به گونه ای آفریده که می تواند آفریننده صور مجرد مادی باشد زیرا نفس از سنخ ملکوت است و ملکوتیان اقتدار بر خلق و آفرینشگری دارند و می توانند صور قائم به ذات و مجرد را ابداع و صور قائم به مراد را ایجاد کنند. یعنی نفس در

درون خود به ایجاد و خلق صورت های حسی و خیالی می پردازد، صورت هایی که مانند حقایق خارجی هستند ولی از مراتبی تجردی برخوردار است.

### بررسی ماهیت خلاقیت در قرآن کریم

ریشه خلاقیت در ادبیات قرآنی از ماده «خَلَقَ» است، «خَلَقَ» در اصل به معنای اندازه گیری و تدبیر در امور است اما در معنای نوآفرینی و پیدایش و ایجاد چیزی به کار می رود (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۶۳۲). برای نمونه آیات زیر ناظر بر این مفهوم است «خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ» (نحل ۴) و «خَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مَّارِجٍ مِنْ نَارٍ» (الرحمن ۱۵) در قرآن خداوند خود را خالق معرفی کرده است ولی در عین حال خلق کردن به غیر خدا هم نسبت داده شده است، شاهد این مدعا آیه «فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ» (مومنون ۱۴) علامه طباطبایی ذیل تفسیر این آیه می فرماید: او بهترین خالق هاست فهمیده می شود که خلقت تنها مختص خداوند نیست و غیر خدا هم توانایی خلق کردن دارد (طباطبایی، ۱۳۸۰: ۱۷۹). در قرآن اسما دیگر نیز به معنای خلاقیت و ایجاد و ابداع وجود دارد، از جمله "باری" که از ریشه "بر" به معنای «مبدع و موجد» است، این اسم به صورت اسمی آمده است (حشر ۲۲ و ۲۴-بقره: ۵۴) در قاموس قرآن ذکر شده که خدا را از آن جهت «باری» گوئیم که به وسیله ایجاد اشیاء را از نبودن به طرف بودن می کشاند (قریشی، ۱۳۷۱: ۱۶۳) اسم دیگر «المصور» است که از اسماء حسنی به معنای آفریننده صورت ها و شکل ها (صور) است. این اسم از اسماء فعل الهی و گویای آخرین پردازش در مسیر خلق می باشد. شاید تاخر آن در آیه ی ذیل گویای همین مطلب است. «هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ وَ الْمَصْورُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى» (حشر ۲۴) در المیزان ذیل تفسیر این آیه آمده است کلمه خالق به معنای کسی است که اشیائی را با اندازه گیری و تدبیر پدید آورده باشد و کلمه «باری» نیز همان معنا را دارد، با این فرق که «باری» پدید آورنده کسی است که اشیائی را که پدید آورده از یکدیگر ممتازند و «مصور» به معنای کسی است که پدیدآورندهای خود را طوری صورتگری کرده باشد که با یکدیگر مشبه نشوند (طباطبائی، ۳۸۲: ۳۸۲). با بررسی اسماء ناظر بر خلاقیت در متون اسلامی می توان نتیجه گرفت که مفهوم خلاقیت ناظر بر دو کلمه «خلق» و «ابداع» است و هر دو کلمه ناظر بر پیدایش امری نو و اصیل است با این تفاوت که نوع «خلق» آفرینشی است که مسبوق به ماده و مدت زمان است و نوع «ابداع» آفرینشی است که مسبوق به ماده و مدت زمان نیست، مفهوم «خلق» منطبق به مفهوم «خلاقیت» در دوره معاصر است و «ابداع» به معنای خاص خود «خلق از عدم» که در ادبیات اسلامی به عنوان خلاقیت متعالی مطرح می شود.

### جایگاه خیال و خلاقیت در حکمت اسلامی

بی تردید خلاقیت خیال خلافت انسان را رقم می زند. امری که توضیح آن در سطور آتی ذکر خواهد شد. انسان در حکمت متعالیه با استفاده از منابع معرفت و عوالمی که دارد (محسوسات، مثال، معقولات) شناخت کسب می کند. ملاصدرا برای عالم خیال و مثال اهمیت فراوانی قایل است و بحث های فراوانی را به آن اختصاص داده است که می توان با پیگیری آن به تعیین جایگاه خلاقیت در اندیشه او دست یافت. انسان به حسب ذات، اسماء و صفات

افعال و اعمال مرتبه نازله خداوند است. بدین ترتیب انسان به مقتضای انواع افعالی که دارد عوالمی دارد که مثال عوالم الهی است. از نظر ملاصدرا از جمله مواردی که آشکار می کند انسان از هر حیث مثال خداوند است، عوالم و نشئه هایی است که خداوند دارد (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۶: ۲۳). خداوند در قرآن دو نوع آفرینش برای خود بیان کرده است یکی به صورت «خلق» یعنی آفرینش اشیاء مادی از مواد و اشیاء دیگر و دیگری «ابداع» یعنی آفرینش از عدم. قرآن آفرینش از راه ابداع را با کلمه «امر» و گاهی با تعبیر «کن» بیان می کند که نتیجه آن تحقق عینی همان چیزی است که خداوند اراده کرده است که ملاصدرا آن را «کن وجودی» می نامد (خامنه ای، ۱۳۸۱: ۵). بنابراین خداوند در مکتب ملاصدرا دو جنبه خلق و امر دارد. زیرا آفرینش چه از عدم محض باشد و چه از ماده هر دو را خداوند انجام می دهد، خلق و امر را می توان به ترتیب تولید و خلاقیت نامید، همانگونه که خداوند عالم غیب و شهادت، خلق و امر، ملک و ملکوت دارد، انسان را نیز به گونه ای خلق کرده که این دو نشئه وجودی یعنی دو عالم خلق و امر دارد، عالم امر عالم «کن فیکون» است. که در آن صور بدون نیاز به مواد و مصالح و بدون آلات و ابزار و ادوات و به نحو ابداعی و دفعی و نه تدریجی و زمانی محقق می شوند. در چنین عالمی، اراده همان ایجاد است اما انسان چون هویت امری دارد، یعنی علاوه بر بدن که عالم خلق، ملک و شهادت او به شمار می آید، عوالم غیبی متعدد در مراتب مختلف نیز دارد. بنابراین ویژگی های امری دارد (صدرالدین شیرازی ۱۳۱۳-۳۴) به عبارتی قدرت تصویر گری و انشای صورت دارد، زیرا نشانه وجود خلافت الهی و خداگونگی در انسان این است که او نیز مانند خداوند قدرت آفرینش داشته باشد. آفرینش از نوع ابداع یا ایجاد از عدم محض، که معنای واقعی خلافت است. ملاصدرا معتقد است اگر انسان نیروهای خود را متمرکز کند خواست و اراده او موثر و نافذ خواهد و چیزی را که اراده کرده به وجود خواهد آمد. پس خلاقیت نقطه مشترک بین خداوند و انسان است و رمز آن همان منصب جانشینی خداست، که در هیچ موجودی جزء انسان یافت نمی شود. انسان برای انجام دادن وظایف جانشینی خود باید حائز توانایی باشد، این مطلب در آثار صدر المتألهین تصریح شده است: «و کذلک کل واحد من افراد البشر ناقصاً او کاملاً کان، له نصیب من خلافة یقدر حصه إنسانیه، لقول تعالی؛ "هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ" مَشِيرًا إِلَىٰ أَنْ كُلِّ وَاحِدٍ مِنَ الْفَاعِلِ الْبَشَرِ وَارْدِلَهُمْ خَلِيفَةً مِنَ الْخَلَائِفَةِ فِي الْأَرْضِ الدُّنْيَا، فَالْأَفْضَلُ مَظَاهِرُ جَمَالَ صِفَاتِهِ تَعَالَىٰ فِي مَرَاةِ اخْلَاقِهِمُ الرِّيَاسِيَّةِ، حَرْفِهِمْ وَصَنَائِهِمْ، وَخَلَائِفَتِهِمْ أَنْ اللَّهُ اسْتَخْلَفَهُمْ فِي الْخَلْقِ كَثِيرٍ مِنَ الْأَشْيَاءِ كَالْخِيزِ وَالْخِيَاطَةِ وَالْيَنْبَاءِ وَنَحْوِهَا، فَإِنَّهُ تَعَالَىٰ يَخْلُقُ الْحِنَةَ بِالسُّتْقَالِ وَالْإِنْسَانَ بِخَلْفَتِهِ وَيَطْحَنُهَا وَيَعْجِنُهَا وَيَخِيْزُهَا، كَالثُّوبِ فَإِنَّهُ تَعَالَىٰ يَخْلُقُ الْقَطْنَ وَالْإِنْسَانَ يَعْزِلُهُ وَيَنْسِجُ مِنْهُ الثُّوبَ بِالْخَلْفَةِ عَلَىٰ هَذَا قِيَاسٍ فِي سَائِدِ الصَّنَائِعِ الْجَزْئِيَّةِ وَالْحَرْفِ» (صدر، ۱۳۶۰، ۱۱) اگر موضوع خلافت الهی در بین نباشد وجود خلاقیت در انسان توجیه فلسفی نخواهد داشت. در واقع انسان می تواند به ماده صورت دهد و چیزی نو بیافریند که آن خلاقیت نامیده می شود این خلاقیت می تواند در جنبه های گوناگون صورت گیرد. برای مثال هنر مظهر یکی از انواع خلاقیت های انسان و ارمغانی است که ضمیر انسان از ناپیدای جهان و زیبایی های آن برای دیگران به همراه دارد (صدرالدین شیرازی ۱۳۶۶: ۷۹).

## مفهوم شناسی تکنولوژی

### ۱- واژه شناسی:

کلمه تکنولوژی از واژه یونانی «تکنیکون» (Τεχνική) مأخوذ شده و ریشه در کلمه «تخنه» Techne دارد. تخنه نه تنها نام کار و مهارت صنعت گر است، بلکه برای مهارت های فکری و هنرهای زیبا هم به کار می رود. واژه تخنه از ابتدا، تا زمان افلاطون با کلمه Episteme همراه بوده است و هر دو کلمه بر شناخت به معنای خود فهمی و دانستن جزئیات چیزی دلالت دارد.

### ۱- اصطلاح شناسی:

تسلط بر طبیعت با استفاده از فکر و ابزار از صفات ممیزه انسان است. انسان موجودی است که به کمک قدرت تفکر و یادگیری می تواند بر طبیعت سلطه یابد. تکنولوژی به صورت کلی کاربرد علم است ولی تعاریف دیگری نیز برای آن ذکر شده است. تکنولوژی کاربرد سیستماتیک دانش منظم برای امور علمی است که شامل سخت افزار، زنده افزار مانند مردم و سازمان ها و نیز نرم افزار ها مانند ایده ها و برنامه ها می شود (پسی، ۱۳۷۴؛ ۱۰/۱). همچنین تکنولوژی را با رویکرد مهندسی هم تعریف کرده اند، باین (Bain) تکنولوژی را شامل همه ی ابزار ها، ماشین ها، وسایل ارتباطات، حمل و نقل و مهارت هایی که با کاربرد آنها می توانیم چیزی تولید کنیم می داند. می توان نظر فلاسفه درباره تکنولوژی را در یک طبقه کلی به سه دسته تقسیم کرد: بعضی مانند هایدگر به طبیعت تکنولوژی همچون پدیده ای طبیعی و فرهنگی می نگرند، بعضی مانند مارکوزه (Marcuse) به تکنولوژی همچون محصول فرهنگی انسان می نگرند و اثر تکنولوژی را به صورت محیطی و اجتماعی به شکل نقادانه بررسی می کنند. بعضی دیگر مانند کپ (kapp) کار تکنولوژی را در عمل به صورت سیستماتیک، در رشته های مهندسی مانند بیوتکنولوژی مورد مطالعه قرار می دهند (Rayden 2012:/ 20)

## ریخت شناسی تکنولوژی

بشر در طی تاریخ از دانایی های خود استفاده کرده و برای رفع مشکلات زیستی خویش فنونی را ابداع نموده که این فنون دوران متعددی را طی نموده اند. از سه هزار سال قبل از میلاد که بین النهرین تمدن شهر نشینی به خود گرفت و بشر از خیش برای تولید و خشت را جهت سرپناه به کار گرفت تا سده هجده ام و انقلاب فرانسه که از اعداد و ریاضیات سود جست و تا امروز که از رباط ها استفاده می کند، ده دوره را برای تکنولوژی ذکر می کنند:

۱- دوران ماقبل تاریخ، حدود سه هزار سال قبل از میلاد.

۲- دوران امپراطوری مصر، از سال ۱۰۰۰ تا ۶۰۰ قبل از میلاد.



۳- دوران یونان و روم از سال ۶۰۰ ق م تا ۴۰۰ میلادی .

۴- دوران قبل از رنسانس که به دوران سیاه شبیه شده است و شامل سال ۴۰۰ الی ۵۰۰ میلادی می شود.

۵- دوران آستانه انقلاب صنعتی، بین سالهای ۱۷۵۰ الی ۱۸۵۰ میلادی.

۶- دوران انقلاب صنعتی، بین سالهای ۱۷۵۰ تا ۱۸۵۰ میلادی .

۷- دوران ۱۸۵۰ تا ۱۹۰۰ میلادی که به دوران قدرت بخار موسوم است .

۸- دوران صنایع اتومبیل و هواپیما بین سال های ۱۹۰۰ تا ۱۹۴۰ میلادی.

۹- دوران اتم و سفر های فضایی بین ۱۹۴۰ تا ۱۹۶۰ میلادی .

۱۰- دوران میکرو پروسسور (Microprocessor) یا ریز پرداز ها. (پیمان، ۱۳۸۲: ۴۲)

### ماهیت حقیقی تکنولوژی

ضروری است برای نمایاندن چهره واقعی تکنولوژی به مستندات دو اندیشمند برجسته این حوزه، یعنی هایدگر و پرفسور نصرکه تأثیرات تکنولوژی را به وضوح در غرب مشاهده کرده اند اشاره نمود. آنها معتقدند تکنولوژی به انسان تعرض کرده و در صدد جایگزینی خود به جای انسان است. در این بخش این موضوع را بررسی خواهیم کرد.

### الف) تعرض به کرامت انسانی:

با توجه به نفوذ تأثیری که هایدگر در انکشاف ماهیت تکنولوژی دارد، لازم است زاویه دید وی را به شکل برجسته‌تری نشان دهیم. هایدگر از معدود فیلسوفانی است که نگرشی فلسفی به موضوعی به ظاهر غیر فلسفی دارد. وی بحث خود را طرح سؤالاتی از ماهیت تکنولوژی تحت عنوان (technik diefragenach) آغاز کرده و معتقد است برای درک ماهیت یک موضوع باید نسبتی «آزاد» با آن برقرار کنیم. پاسخ فلسفی به این سؤال می تواند مدخل مناسبی برای شناخت واقعی تکنولوژی باشد. برای ایجاد نسبت آزاد با تکنولوژی باید هستی انسانی (dasein) را به ماهیت تکنولوژی *wesen der technik* بگشائیم. آنجا که انسان بودن در طبیعت با دیگران آن گونه که هستند تجربه می کند. این لحظه زمان برقرار کردن نسبت آزاد با موضوع است درک ماهیت پدیده ها با ذکر یک تعریف از آنها یکسان نیست. برای مثال بیشتر مردم تکنولوژی را وسیله نیل به هدف ( *mittelfur* ) ( *zweck* ) و فعالیت انسانی ( *tun des mehschehs* ) می دانند. لذا تعریفی انسان مدار از تکنولوژی دارد. تعریف ابزاری اگرچه کوششی برای ایجاد نسبت صحیح یا تکنولوژی است، اما ماهیت تکنولوژی را به ما نشان نمی دهد

لذا نمی تواند نسبتی «آزاد» بین ما و تکنولوژی ایجاد کند(هایدگر، ۱۳۸۶: ۸۴). هایدگر ویژگی تعرض آمیز بودن را بر هویت تکنولوژی جدید می افزاید و تکنولوژی را نیز بر همین ویژگی تعریف می کند. آنجا که در تعریف گشتل آن را به عنوان امر گردآورنده تعرض آمیزی دانسته که انسان را مخاطب قرار داده، وبه معارضه فرا می خواند تا «امر واقع» را به نحوی منضبط به منزله منبع لایزال منکشف کند وبا افزودن این عنصر بر تعریف تکنولوژی، هویت انسانی داشتن را از تکنولوژی باز ستانده و آن را هویتی در برابر انسان قرار می دهد. تعرض آمیز بودن تکنولوژی حاصل نابودی اخلاق، یعنی عنصری خارج از تکنولوژی است. در موقعیت فقدان اخلاق میل یا به بیان ارسطو جزء فاقد خرد، قدرت تکنولوژی را به کار می گیرد(ارسطو، ۱۳۸۹: ۱۶) این میل نه میل فرد و افراد بلکه جبر اجتماعی است که در ساختاری غید اخلاقی، تکنولوژی را در برابر انسان قرار می دهد. زیرا اخلاق، انسانیت انسان را بالفعل می کند. تکنولوژی جدید نیز هرگاه تحت فرمان اخلاق نباشد تبدیل به هویتی انسان ستیز خواهد شد. با این وصف روشن است که تعرض آمیزی تکنولوژی نوین، منشایی غیر تکنولوژیک داشته و به همین دلیل هم در استفاده از تکنولوژی کهن و هم در استفاده از تکنولوژی نوین (نه در هویت آنها) تعرض می باشد. اما از آنجا که توانایی تکنولوژی کهن اندک است هویت تعرضی که ما در استفاده از تکنولوژی (نه خود تکنولوژی) مشاهده می کنیم در آن نمود اندکی دارد. لذا واضح است که تعرض آمیز بودن تکنولوژی در دوران جدید به علت نابودی اخلاق است که با وجود توانایی ها و پیچیدگی های بیشتر این تکنولوژی نمود بیشتری یافته است.

### ب) تعرض به فرهنگ انسانی:

تکنولوژی حاصل از علم مدرن «خنثی و بی طرف» نیست. شاید در ذهن برخی از افراد این گونه جا افتاده باشد که تکنولوژی خود بی طرف است، اما مهم آن است این تکنولوژی را چه کسی و با چه هدفی به کار بگیرد. لذا اگر یک انسان سالم آن را در اختیار بگیرد دیگر مثلا مشکلی از بابت ساخت بمب اتم پیش نخواهد آمد. اما پروفیسور نصر با این گزاره نیز مخالفت می کنند و می گویند حتی استفاده صلح آمیز از تکنولوژی مدرن خالی از اشکال نیست. تکنولوژی به خودی خود جهت گیری ارزشی دارد و فرهنگ خاصی را به همراه می آورد. شکل دیگر این فرهنگ حرص و طمعی است که به انسان نسبت به طبیعت و حتی خودش حق مطلق بخشیده است؛ بدون اینکه از مسئولیت هایی آگاه سازد که در همه جوامع سنتی، مقدم بر حقوق بوده اند. (نصر، ۱۳۹۱: ۱۷) تکنولوژی با خود فرهنگ تکنولوژیکی می آورد که مخالف نفس آدمی به عنوان موجود فنا ناپذیر و مخالف بافت تمام جوامع سنتی است که بر روابط معنوی بین انسان و اشیائی که می سازد مبتنی است. این اشیاء بر هنری مبتنی هستند که خلاق است و خلاقیت خدا را به عنوان صنعتگر اعلی منعکس می کند. خداوند در قرآن کریم «الصانع» نامیده می شود او آفریننده (الخالق)، صورتگر (المصور) و صنعت گر اعلی است و اوبه ما قدرت خلاقیت داده که ما آن را در وجودمان بازتاب می دهیم، چون ما خلیفه و جانشین او بر روی زمین هستیم(نصر، ۱۳۸۵: ۷۲) تکنولوژی یک فرهنگ است با اوضاع و شرایط خاص و دارای شاخصه ها و خصلت های ویژه ی خود و در عین حال از روح و روانی معین برخوردار است. وجه بارز این فرهنگ قرار دادن «تکنولوژی» به جای «خدا» است و لذا شاخصه و

خصلت های آن خداگونه است. این امر بدان معنی است، که در اینجا فرهنگ، اعتبار و تشخیص خود را در تکنولوژی جستجو می کند. ارضای امیال و کامیابی های خود را از تکنولوژی طلب می کند و به دست می آورد و بالخره این فرهنگ دستوالعمل های خود را از تکنولوژی می گیرد. در راستای تحقق چنین امری، باید نظام اجتماعی دیگری ساخته شود. این راه الزاماً و ضرورتاً به فروپاشی و نابودی باورها و عقاید سنتی منتهی می شود. از دیدگاه پرفسور نصر بیشترین انطباق و سنخیت را با تکنولوژی کسانی دارا هستند که به طور قاطع و باوری استوار، توسعه ی صنعتی و تکامل تکنولوژیک را عالی ترین دستاورد بشریت دانسته و آن را وسیله و ابزاری می پندارند که قادر به حل مشکلات اولیه می باشد. اینان اطلاعات را برکتی خالص می انگارند و معتقدند، تداوم تولید و رواج و گسترش بی لجام و غربال نشده اطلاعات، آزادی بیشتر خلاقیت وسیع تر و صفا و آرامش روحی و روانی گسترده تری را به ارمغان می آورد، اما اطلاعات و تکنولوژی نه تنها به اعطای این هدایا توانا نیست، بلکه درست در جهت مخالف گام بر می دارد. رشد و نمو تکنولوژی زمانی امکان پذیر است که سیستم ایمنی و تدافعی مقابله با اطلاعات از هم فرو پاشد؛ فقدان سیستم ایمنی، قدرت تمیز و تشخیص و توان حافظه خلاق را چنان از انسان ها می رباید که تصور آینده معقول و دارای معنا را برای آنها دشوار می سازد. آنچه زمانی متولد می شود که جامعه ای مغلوب هجوم اطلاعات حاصله و به دست آمده از تکنولوژی، به تکنولوژی توسل جوید، تا برای نجات خویش، اهداف و ابزار و وسایل زندگی را مجدداً بشناسد و معنا و مفهوم حیات را در خود دریابد و آنها را بجوید. این توسل جستن ها و تلاش ها محکوم به شکست است (پستمن، ۱۳۸۱: ۱۷۹) بدون تردید تعرض به کرامت و فرهنگ انسان نه تنها تأثیر هستی شناسانه بر خلاقیت انسانی قلمداد گشته، بلکه خود موجبات تأثیر سلبی در دیگر حوزه ها را فراهم آورده که در زیر به بررسی آنها پرداخته می شود.

## (۱) تکنولوژی و سلب هویت انسان

در تصویری رایج تکنولوژی به عنوان ابزاری صرف وسیله ای برای فعالیت های انسانی در نظر گرفته می شود. اما از نظر هایدگر تکنولوژی ابزار نیست، بلکه نحوی از «انکشاف» است. انکشاف عبارت است از حضور یافتن در چهار چوبی معین. انکشافی تعرض آمیز که به موجب آن نگاه انسان به عالم و آدم عوض شده و همه چیز برای او در قالب یک «منبع ذخیره» آشکار می شود، منبع ذخیره ای که آماده تصرف و ذخیره شدن است. به دیگر بیان امکان هرگونه سازندگی مولد (با تولید هرگونه فرآورده) به دلیل انکشاف صورت می گیرد (هایدگر، ۱۳۸۶: ۲۲) نزد هایدگر پیدایش تکنولوژی مدرن، نحوه ای از انکشاف حقیقت برای انسان مدرن است که به موجب آن، نگاه انسان مدرن به عالم عوض می شود (علی زمانی، ۱۳۷۹: ۴۷). انکشاف که بر سراسر تکنولوژی جدید حاکم است خصلت درافتادن (تعرض) دارد، تعرضی که طبیعت را در مقابل این انتظار بی جا قرار می دهد که طبیعت تامین کننده انرژی باشد تا بتوان انرژی را از آن جهت که انرژی است، از دل طبیعت استخراج و ذخیره کرد. بر اساس دیدگاه هایدگر بشر هرگز به یک ذخیره ثابت تبدیل نمی شود. علاوه بر این نمی توان تضمین کرد بخشی از بشر به بخش دیگری از انسان ها انتظام بخشد. با این وجود هایدگر معتقد است، نحوه ی انکشاف خاص تکنولوژی خود را هم

چون قفسه بندی یا گشتل نشان می دهد. گشتل نه تنها طبیعت، بلکه انسان را هم چون منبع دائم و قائم (be stand) منکشف می سازد. از این رو بر اساس دیدگاه های دیگر می توان گفت وقتی انسان به عنوان یک عامل و نیرو در نظر گرفته می شود، در واقع این طبیعت و سرشت آدمی است که خود را به عنوان نیروی بالقوه مولد منکشف می کند. اگر تکنولوژی به عنوان امری خنثی تلقی شود در این صورت با نظر داشت استقلالی که تکنولوژی از اراده آدمی دارد بردگی انسان قطعی خواهد شد (آیدی، ۱۳۸۶: ۶۹). اما تهدید تکنولوژی بیشتر به ماشین آلات و دستگاه های بالقوه نیست. تهدید واقعی تأثیری که روی ماهیت بشر می گذارد. وقتی انتظام بخشی و مرتب کردن نگرشی همگانی می شود «همه چیز خود را صرفاً در عدم استتار منبع لایزال عرضه می کند»، این خطر به وجود می آید که هم انسان و هم جهان باید به تمامه به عنوان منبع ذخایر قلمداد شوند (همان ۶۶).

## ۲) تکنولوژی و هنر

تکنولوژی مدرن رابطه بشر با خداوند را نابود و زندگی را از معنویات خالی کرده است. یکی از موضوعاتی که بشر در جامعه سنتی تجلی روح معنوی و زلال خویش را در آن بازتاب می داد هنر بود. تکنولوژی با ماشینی کردن همه هنرها این «هنر» را از انسان گرفت تا بتواند جایی برای تعالی بخشی به روح معنوی خویش داشته باشد. تکنولوژی و هنر پیش تر به لحاظ مفهومی متحد و هم معنا بوده اند. لکن امروزه به کلی از هم جدا شده و هر یک متعلق مخصوص به خود را دارا می باشند. در واقع ریشه تکنولوژی در یونان قدیم tachne و هنر در زبان لاتینی ars بوده و هر دو معنای ساختن را القاء می کردند. تخته به چیزی اشاره داشت که با دست ساخته می شد. هنر پس از انقلاب صنعتی از زندگی عادی بشر جدا شده است در حالی که در جوامع سنتی مرز میان هنر و تکنولوژی وجود نداشت و معنویات هنر در تکنولوژی که تجسم آن روح و هنر بود کاملاً هویدا بود، لکن پس از انقلاب صنعتی هنر یک چیز است و تکنولوژی چیز دیگری (نصر، ۱۳۸۵: ۳۲).

## ۳) تکنولوژی و شیوه تولید

تکنولوژی، رابطه بین انسان و شیوه تولید اشیاء را تغییر می دهد (خلاقیت و درون مایه کار را ضایع می کند) تنها بخش فعال تکنولوژی مدرن، بخشی است که توسط مهندسی انجام می شود که ماشین را طراحی می کنند. البته کسانی که صنایعی مانند هواپیما، کشتی و... را طراحی می کنند نیز در کار خود مهارت دارند، اما کسانی که اشیاء را تولید می کنند خصوصاً در تولید انبوه اشیاء تولید شده دیگر ارتباطی با خلاقیت ندارند. در واقع یکی از دلایل ملال آوری حرفه ها و حتی افزایش تعطیلات و اصطلاح تعطیلات آخر هفته را باید در این نکته دانست انسان در جوامع سنتی به تعطیلات نمی رود؛ در این جوامع تعطیلات با زندگی ادغام شده بود و اصطلاح امروزی تعطیلات آخر هفته وجود نداشت. امروزه بسیاری از مردم می گویند «من از دوشنبه متنفرم» یا «خدارو شکر که امروز جمعه است» علت وجود این نگرش ماشینیزه سازی کار و تهی سازی آن از معنویت است (حسین، ۱۳۹۱: ۹۰). این همان فرهنگ تکنولوژی پیش گفته است که ناسازگاری خلاقانه انسان و مصنوعاتش را گوشزد می کند. به

بیان دیگر تکنولوژی مدرن خلاقیت را از انسان گرفته است. یعنی در حالی که انسان سنتی برای برطرف کردن نیازهای خود باید مهارت جسمانی و فکری زیادی می‌آموخت. امروزه بیشتر وظایف شغلی و حتی علمی به ماشین‌ها سپرده شده است و انسان‌ها روز به روز به سوی بی‌هنری و پوچ‌شدگی پیش می‌روند. مثلاً یک استاد کار قام‌زن و یک کارگر کارخانه ماشین‌سازی، میزان قابلیت بروز خلاقیت را در شغل آنها نشان می‌دهد، هم‌چنین کالای ساخته دست انسان، درون مایه معنوی هم دارد و رضایت باطنی مصرف‌کننده را به همراه دارد. اما در کالای ماشینی بعد معنوی و آسمانی آن از بین رفته است.

### پیشنهاد:

این مقاله با طرح تأثیرات منفی تکنولوژی بر خلاقیت انسان پیشنهاد دارد که عرصه تاخت و تاز تکنولوژی را می‌توان با تأکید بر ساز و کارهای هدایتی، مدیریت و از ثمرات مثبت آن بهره‌مند شد. لذا جهت نیل به این مهم لازم است انسان یک بار دیگر ذات و ماهیت حقیقی خود را مورد بررسی قرار داده و به احیای حقیقت قدسی خود برگردد. علاوه بر این ضروری است به بازتعریف تکنولوژی به انضمام حدود و ثغور آن پرداخته و نسبت آن با انسان را مجدداً مورد ارزیابی قرار دهد. در واقع ایستایی و توقف در وضع موجود پذیرش نوعی اضمحلال انسانیت و سیطره تکنولوژی و به تعبیری که در مقاله بکار گرفته شده "تجاوز ابزار بر انسانیت" است.

### نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از این پژوهش را می‌توان بدین شرح استخراج نمود:

۱- در حوزه معرفت‌شناختی؛ انسان کانونی ابزار گونه به خود گرفته است.

۲- در حوزه وجودشناختی؛ بعد خلاقه قوه خیال که امری قدسی محسوب می‌شده از حقیقت ذاتی خود جدا و حقیقتی ابزاری پیدا کرده است.

۳- در حوزه ارزش‌شناختی؛ هنر و تمام ارزش‌های زیست‌انسانی در حوزه ابزار و تکنولوژی خلاصه شده و ارزش‌های واقعی انسان نظیر: کرامت انسانی، حقیقت‌نفس‌ناطقه، اصل رابطه بین انسان و خدا اموری درجه دوم محسوب گشته است.

### فهرست منابع

- قرآن کریم.

- ابراهیمی دینانی، غلام حسین (۱۳۸۱)، ادراک خیالی و هنر، فصل نامه خیال، شماره ۲. فرهنگستان هنر تهران.
- ابراهیمی دینانی، غلامحسین، (۱۳۸۱). تجلی ماوراء طبیعیه در هنر، هنر ماوراء الطبیعه، ترجمه سید عباس نبویری، تهران پژوهشگده فرهنگ و معارف.
- ابن سینا (۱۳۳۱)، النفس (من کتاب الشفاء)، تهران، انجمن آثار ملی.
- ابن سینا، ۱۳۸۳، دانشنامه علائی. تصحیح محمد معین، همدان دانشگاه بوعلی.
- ابن منظور. (۱۴۰۸ هـ ق.)، لسان العرب، بیروت. دار الاحیاء التراث العربی.
- ارسطو (۱۳۸۹)، اخلاق نیکوماخوس، ترجمه محمد حسن لطفی، تهران طرح نو.
- ارسطو، (۱۳۷۷). هنر شاعری بوطیقا. ترجمه فتح الله مجتبیانی، تهران اندیشه.
- پستمن، نیل (۱۳۸۱). تکنوپولی: تسلیم فرهنگ به تکنولوژی، ترجمه صادق طباطبایی، ج ۱، تهران اطلاعات.
- پیسی، آرنولد (۱۳۷۴). تکنولوژی و فرهنگ. ترجمه بهمن شالکوبی، ج ۱، تهران، مرکز.
- پیمان، سید حسین، (۱۳۷۲)، نشریه زمینه، سال سوم شماره ۲۴.
- حسن زاده آملی - حسن (۱۳۹۲). معرفت نفس، دفتر دوم. شرکت انتشارات علمی و فرهنگی. وزیر.
- خامنه ای. سید محمد. (۱۳۸۱). خلاقیت/خلاقیت انسان در فلسفه و عرفان اسلامی، خردنامه صدرا، شماره ۲۸، تابستان.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۶)، لغتنامه دهخدا/چاپخانه دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین ابن محمد، ۱۳۷۴، المفردات فی الفاظ القرآن، ج ۱ و ۲ و ۳. تهران مرتضوی.
- شرفی، محمد رضا، (۱۳۸۱)، تفکر برتر، تهران، سروش.
- صدر الدین شیرازی، محمدابن ابراهیم، (۱۳۶۶). تفسیر قرآن کریم، ۷ ج. به کوشش محمد خواجهوی، قم بیدار.
- صدرالدین شیرازی، محمد ابن ابراهیم، (۱۳۱۳). تعلیقات علی شرح حکمت الاشراق، تهران، چاپ سنگی.
- صدرالدین محمدابن ابراهیم شیرازی، ۱۳۶۰. رساله سه اصل، تهران، مولی. عطار نیشابوری، (بی تا). تذکره الاولیاء.
- طباطبایی، سید محمد حسن، ۱۳۸۰، المیزان، مجموعه ۲۰ جلدی، ج ۱۵، ۱۶ و ۱۹، ترجمه موسوی همدانی، قم، اسلامی.
- علی زمانی، امیر عباس (۱۳۷۹). «ماهیت تکنولوژی از دیدگاه هایدگر». نامه مفید، ش ۲۳
- قریشی، علی اکبر، ۱۳۷۱، قاموس قرآن (۷ جلدی)، تهران، دارا کتب اسلامیه.

- کاجی، حسین(۱۳۸۴) -فلسفه تکنولوژی دون آیدی پاسخی به دترمینیسم تکنولوژیک. انتشارات هرمس.
- مددیپور، محمد(۱۳۸۴)، حکمت انسی و زیبایی شناسی عرفانی هنر اسلامی، انتشارات سوره مهر(حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی). تهران.
- نصر، سید حسین(۱۳۸۵). «اسلام، مسلمانان و تکنولوژی مدرن». پایگاه حوزه. مجله الکترونیکی.
- نصر، سید حسین(۱۳۹۱). اسلام، علم مسلمانان و تکنولوژی گفتگو با مظفر اقبال، ترجمه حسین کرمی، تهران: پژوهشگاه معرفت و اندیشه.
- هایدگر، مارتین(۱۳۸۶). «پرسش از تکنولوژی» ترجمه شاپور اعتماد، فلسفه تکنولوژی. تهران؛نشر مرکز.

- Toffler, Alvin, (1980). the third ware, New York, morrow.
- Heidegger, martin (1954) the Question concerning technology and other essays, translated by William Lovett, New York.
- Van tinkle, H, (1995). University 2050: the organization of creativity and innovation. Higher Education policy, A (4),14-18 s

# Investigating the negative influence of technology on human creativity

Behzad Bakhshipour

Undoubtedly one of the terminology that is ultimately ambiguous is technology. The question of what is the nature of technology, it is one of the most complex questions that has involved the minds of scientists. We believe that technology is the It's human itself But the It's "external appearance". The reason for this statement is that the origin of technology is in the creative dimension of imagination. Despite the confident relationship between technology and the dimension of creativity (maker and made), today technology is seen that is the most damage in the field of anthropology on the dimension of human creativity. In this research, we have tried to explain " the negative impact of technology" on the creative dimension. The method of this research is descriptive-analytic. In this research, we will examine in three areas of Ontological, epistemological, and Cognitive value the negative effect of technology.

**Keywords:** Technology, creativity, imagination, anthropology